

Conceptual model of self-esteem- oriented parenting based on Islamic sources

✉ **Narges Abbasi**  / M.A. in Islamic Psychology with a Positive Approach, Research Institute for Quran and Hadith
abasi.na1366@gmail.com
Ali Sadeghi Seresht / Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, Research Institute for Quran and Hadith
sad13566@gmail.com
Seyyed Mahdi Khatib / Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, Research Institute for Quran and Hadith
mahdikhatib@yahoo.com
Received: 2025/01/02 - **Accepted:** 2025/03/26

Abstract

The purpose of this research was to develop a conceptual model of self-esteem-centered parenting based on Islamic sources. The research method was qualitative, using data-based theory, in which verses and narrations related to self-esteem in children were extracted. In order to analyze the data, verses and narrations were coded and open, axial, and selective coding stages were followed. From a total of 159 verses and narrations, 271 open codes, 61 concepts, 23 categories, and one model were ultimately extracted. To ensure the reliability of the data and its quantification, two methods, Content Validity Index (CVI) and Content Validity Ratio (CVR), were used as the criteria. The scores on the CVI index were above the critical CVI value, i.e. 0.78, and the scores on the CVR index were above the required level, i.e. 0.62, which was confirmed. The findings of the study indicated that the underlying factors included verbal and nonverbal affection; revealing factors: practical training and time allocation; barriers: psychological and emotional harm and physical harm; and the components included acceptance and support, respect for the child's personality, trust in the children's abilities, positive behavior patterns, using encouragement and praise instead of punishment, setting clear and logical boundaries, effective communication with children, and encouraging autonomy and independence; and the outcomes included preserving the dignity of children, cultivating a strong and independent personality, striving for self-empowerment, and cultivating moral perfection.

Keywords: Self-esteem, Parenting, Islamic Sources, Conceptual Model.



مدل مفهومی فرزندپروری عزت نفس محور بر اساس منابع اسلامی

abasi.na1366@gmail.com

sad13566@gmail.com

mahdikhatib@yahoo.com

نگرگس عباسی  / کارشناسی ارشد روان شناسی اسلامی با رویکرد مثبت گرایی پژوهشگاه قرآن و حدیث

علی صادقی سرشت/ استادیار گروه روان شناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث

سیدمهدی خطیب/ استادیار گروه روان شناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶

چکیده

هدف از این پژوهش، تدوین مدل مفهومی فرزندپروری عزت نفس محور بر اساس منابع اسلامی بود. روش پژوهش، کیفی به شیوه نظریه داده بنیاد بود؛ به این صورت که آیات و روایات مرتبط با عزت نفس در کودکان، استخراج شد. در جهت تحلیل داده ها، آیات و روایات، کدگذاری شد و مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی طی شد و از مجموع ۱۵۹ آیه و روایت، در نهایت ۲۷۱ کد باز، ۶۱ مفهوم، ۲۳ مقوله و یک مدل استخراج شد. برای اطمینان از اتکاپذیری داده ها و کمی سازی آن، دو شیوه شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR)، ملاک عمل قرار گرفت. نمره ها در شاخص CVI، بالاتر از مقدار CVI بحرانی، یعنی ۰/۷۸ بود، و همین طور در شاخص CVR، بالاتر از میزان لازم، یعنی ۰/۶۲ بود، مورد تأیید قرار گرفت. یافته های پژوهش حاکی از آن بود که عوامل زمینه ساز شامل محبت کلامی و محبت غیرکلامی؛ عوامل آشکارساز؛ تربیت عملی و اختصاص زمان؛ موانع؛ آسیب رسانی روانی هیجانی و آسیب رسانی فیزیکی و مؤلفه ها شامل پذیرش و حمایت، احترام به شخصیت کودک، اعتماد به توانایی های کودکان، الگوی رفتار مثبت بودن، استفاده از تشویق و تمجید به جای تنبیه، تعیین مرزهای روشن و منطقی، ارتباط مؤثر با کودکان و تشویق به خودمختاری و استقلال و پیامدها شامل حفظ کرامت فرزندان، پرورش شخصیت مستحکم و مستقل، تلاش برای خودتوانمندسازی و آراستگی به کمالات اخلاقی بودند.

کلیدواژه ها: عزت نفس، فرزندپروری، منابع اسلامی، مدل مفهومی.

یکی از ویژگی‌های شخصیت بهنجار، برخورداری از عزت نفس (self-esteem) است (Smith & Fredrickson, 2003). عزت نفس به احساس کلی یک فرد نسبت به ارزش وجودی خود اشاره دارد. این ارزش می‌تواند طیفی از عوامل؛ مانند احساس هویت، اعتماد به نفس، احساس شایستگی و احساس تعلق را دربر گیرد و نقش مهمی در زمینه‌های مختلف زندگی ایفا می‌کند. به همین دلیل است که داشتن عزت نفس پایین می‌تواند یک آسیب جدی باشد. عزت نفس چیزی فراتر از دوست داشتن خود است؛ به این معناست که باور داشته باشید سزاوار عشق هستید و برای افکار، احساسات، نظرات، علایق و اهداف خود ارزش قائل شوید. داشتن عزت نفس نه تنها بر احساس و رفتار شما در مورد خود تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند در نحوه رفتار شما با دیگران نیز نقش داشته باشد. عزت نفس ضعیف می‌تواند بر افکار، احساسات و الگوهای رفتاری فرد تأثیر بگذارد. گاهی اوقات این علائم می‌تواند آشکارتر باشد، اما در برخی موارد می‌تواند بسیار ظریف‌تر باشد. برخی از افراد با وجود این مشکل در مورد خود منفی صحبت می‌کنند؛ درحالی که برخی دیگر تلاش می‌کنند تا مطمئن شوند که دیگران از آنها راضی هستند. در هر صورت، این فقدان عزت نفس می‌تواند تأثیر منفی جدی بر زندگی و سلامتی فرد داشته باشد (دلاوری، رضایور و رجبی‌پور، ۱۴۰۲).

در بسیاری از تعبیرات اسلامی «عزت نفس» بیان شده است؛ برای نمونه قرآن کریم می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْغِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸)؛ عزت اختصاصاً از آن مؤمنان است؛ یعنی مؤمن باید بداند عزت اختصاصاً در انحصار مؤمنان است و اوست که باید عزیز باشد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «أَطْلُبُوا الْخَوَاصَّ بِعِزَّةِ الْإِنْفُسِ» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۶۴)؛ اگر حاجتی به دیگران دارید از آنها بخواهید، ولی با عزت نفس بخواهید؛ یعنی برای حاجتی که دارید، خودتان را نزد دیگران پست و ذلیل نکنید، عزتتان را حفظ کنید و درحالی که آن را حفظ می‌کنید اگر حاجت و نیازی دارید آن را طرح کنید، نیاز خودتان را به قیمت از دست رفتن عزتتان رفع نکنید. در نهج البلاغه که حضرت ضمن خطابه‌ای به اصحابشان می‌فرمایند: «فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ» (سید رضی، ۱۳۸۵، خطبه ۵۱)؛ مردن این است که بمانید، ولی مغلوب و مقهور باشید و زندگی این است که بمیرید، ولی پیروز باشید. اساساً مسئله عزت و قاهریت و سیادت آن قدر ارزش والایی دارد که زندگی بدون آن نمی‌تواند معنا داشته باشد. به همین تعبیر، شعار معروف حضرت سیدالشهداء ﷺ است که در روز عاشورا فرمود: «الْمَوْتُ أَوَّلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ص ۶۸)؛ مرگ بهتر از همراهی با ننگ و عار است؛ یعنی من فقط عزت می‌خواهم. یا این جمله ایشان: «هَيِّئَاتِ مِثْلَ الذِّلَّةِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱)؛ محال است تن به ذلت دهیم، که شعار دیگری است مبنی بر نپسندیدن ذلت برای خود، و هیچ مطلبی جز این مطلب در میان تاریخ عاشورا موج نمی‌زند: «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۵)؛ به راستی که من مرگ را جز سعادت نمی‌دانم، و زندگی با ستمکاران را جز ملال، و جزء کلماتی که از ایشان ذکر کرده‌اند این است: «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ

مِنْ حَيَاةٍ فِي ذَلٍّ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ص ۶۸)؛ مردن با عزت از زندگی با ذلت بهتر است. همچنین در روایت داریم: «الْصَّدْقُ عِزٌّ وَالْكَذِبُ عَجْزٌ» (يعقوبی، ۱۳۵۸، ص ۲۴۶)؛ از آن جهت انسان باید راستگو باشد که راستی برای انسان عزت است. در این روایت راستی مبنای عزت قرار گرفته است و دروغ گفتن عجز و ناتوانی است. آدم ناتوان دروغ می گوید، آدم قوی که دروغ نمی گوید (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲). حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعُ» (سید رضی، ۱۳۸۵، حکمت ۲)؛ آن کسی که طمع را شعار خود قرار داده، حقارت به نفس خود وارد کرده است. در این حدیث طمع به این جهت محکوم شده است که انسان را خوار می کند. مبنای این خُلقِ پلید، حقارت نفس ذکر شده است. «وَرَضَىٰ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ ضُرِّهِ» (سید رضی، ۱۳۸۵، حکمت ۲)؛ شرعاً مکروه است که انسان اگر گرفتاری و ابتلائی دارد، برای هر فردی آن را بازگو کند؛ زیرا این امر آدمی را حقیر می کند.

بر این اساس، عزت نفس یکی از مهم ترین و اساسی ترین جنبه های شخصیت و تعیین کننده ویژگی های رفتاری فرد است. عزت نفس به مثابه یک سرمایه ارزشمند حیاتی از مهم ترین عوامل پیشرفت و شکوفایی استعداد و خلاقیت است. بعضی افراد به دلیل نگرش های منفی والدین، تجارب منفی در برخورد با همسالان عادی و ناکامی های پی در پی در مدرسه به تدریج دلسرد و سرخورده شده و توالی چنین شکست ها و مشکلاتی موجب می شود آنها نسبت به خود احساس بی ارزشی داشته باشند و در نتیجه این احساس منجر به آسیب در عزت نفس آنها می شود (مشایخ و همکاران، ۱۴۰۰).

روش های تربیتی مورد استفاده والدین را می توان به عنوان یک عامل برای عزت نفس فرزندان نام برد. در نگرش اسلامی همان طور که بررسی خواهد شد، ترکیبی از روش ها، در پرورش عزت نفس مؤثر است. نوع رابطه ای که والدین با فرزندان خود برقرار می کنند بر میزان عزت نفس مؤثر است. رابطه ای که مبتنی بر محبت و پذیرش بی قید و شرط است، بر ایجاد و تقویت عزت نفس اثربخش است. کودکانی که طرد می شوند، در نتیجه به طرد خود می پردازند و احساس بی ارزشی می کنند. این فرآیند را بسیاری از روان شناسان «درونی کردن» (Internalization) نام نهاده اند، که به وسیله آن کودک ادراکات، نگرش ها و واکنش های دیگران را جزئی از ارزش های درونی خود می کند.

فرزندپروری فعالیت پیچیده ای شامل روش ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان شان است (Baumrind, 1991). در متون اسلامی نیز فرزندپروری فعالیتی پیچیده شامل رفتارها، آموزش ها، تعامل ها و روش هایی است که جدا و در تعامل با یکدیگر در رشد معنوی، عاطفی در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می گذارد. از دیدگاه اسلام مسئولیت تربیت فرزند در دوران کودکی بر عهده پدر و مادر است؛ تأنجا که یکی از حقوق فرزندان به شمار آمده است. امام صادق علیه السلام سه حق را بر پدر لازم می داند که یکی جدیت در تربیت اوست. ایشان می فرمایند: «فرزند بر پدر سه حق دارد: انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن بر او و جدیت در تربیت فرزند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۳۶).

نتیجۀ پژوهش میرزاترابی (۱۴۰۰) استخراج ۸ مؤلفه برای عزت نفس بود که عبارت‌اند از: آگاهانه زیستن، خویش‌پذیری، خودآییدی، ارتباط با اطرافیان، با صداقت زیستن، خودمسئولی، هدفمند زیستن و شایستگی، اما مدلی که بشود آن را برای عزت نفس ارائه داد در این پژوهش مشاهده نمی‌شود. کوخایی و رودمقدس (۱۳۹۵) به بررسی سبک‌های فرزندپروری در منابع اسلامی پرداختند و در بین چهار شیوۀ فرزندپروری رایج (مستبدانه، سهل‌گیرانه، مسامحه‌کارانه و مقتدرانه) به این نتیجه رسیدند که سبک مقتدرانه نزدیک‌ترین شیوه به روش تربیتی منابع اسلامی است. در این پژوهش نیز جای خالی مدل و مؤلفه‌های این نوع از سبک فرزندپروری احساس می‌شود. عاقل احمداف (۱۴۰۰) به عوامل عزت نفس از منظر اسلام و پیامدها و آسیب‌های آن دست یافت. عوامل درونی: وراثت، فطرت، ایمان، تقوا، عبادت، صبر و توکل. عوامل بیرونی: محیط طبیعی مانند آب، خاک، هوا و خوراک؛ محیط انسانی مانند خانواده، مدرسه، اجتماع، دوستان، کار و مشکلات اجتماعی. پیامدهای عزت نفس از منظر اسلام: خوداعتمادی، استقلال، تقویت اراده، دوری از گناه، قناعت، شجاعت، عفو و بردباری. آسیب‌ها: نفاق، اختلاف، عجب، تکبر، تملق و فقر، اما به عزت نفس کودکان به صورت اختصاصی پرداخته نشده است.

تبریزی شهری (۱۴۰۲) فوائد عزت نفس را این گونه برشمرده است:

الف) نظارت بر خویش‌تن: افراد برخوردار از عزت نفس بالا، هم احساس سودمندی فردی بهتر و هم احساس کنترل بیشتری می‌نمایند. راتر (۱۹۶۶) در نظریۀ یادگیری اجتماعی، منبع کنترل را دارای دو بعد کنترل درونی و بیرونی می‌داند و معتقد است افرادی که دارای کنترل بیرونی هستند، دارای ادراکات مثبت یا منفی از حوادث و رویدادهایی هستند که ارتباط با رفتار فرد ندارد و ورای کنترل فردی است؛ در بعد دیگر کنترل درونی قرار دارد، این کنترل نتیجه‌ای از ادراک مثبت یا منفی از رویدادهاست که تحت کنترل فردی است. افرادی که در این بعد قرار می‌گیرند معتقد به خودمختاری بوده، خود را حاکم بر سرنوشت خویش می‌دانند و کنترل زندگی را از درون خود می‌دانند؛

ب) خودارزیابی: خودارزیابی عبارت است از شناخت یک رفتار، خواه رفتار مثبت و دارای ارزش و خواه منفی و بدون ارزش. آگاهی شخص از استعدادها و توانایی‌های خود و شناخت «خود واقعی» فرد را قادر می‌سازد که شناخت دقیق‌تری از جنبه‌های مثبت و منفی شخصیت خود به دست آورد و سپس با رفع نقائص و تکیه بر نقاط مثبت در جهت رشد و تعالی خود گام‌های مؤثری بردارد؛

ج) انگیزه موفقیت و پیشرفت تحصیلی: بهره‌مندی از عزت نفس علاوه بر آنکه جزئی از سلامت روانی محسوب می‌شود، با موفقیت و پیشرفت تحصیلی نیز مرتبط است. این همبستگی حتی زمانی که کودکان خودشان را به عنوان دانش آموز ارزیابی می‌کنند، بالاتر است که می‌توان آن را عزت نفس تحصیلی آنها نام گذاشت؛

د) رشد خلاقیت: بسیاری از افراد خالق و مبتکر به دلیل بی‌پره بودن از عزت نفس کافی قادر به ابراز تفکرات نو و ابداعات تازه خویش نیستند. وجود عزت نفس می‌تواند زمینه خلاقیت را در افراد به وجود آورد (تبریزی شهری، ۱۴۰۲).

با وجود تحقیقات متعدد در حوزهٔ فرزندپروری و عزت نفس، مدل های موجود اغلب بر پایهٔ نظریه های روان شناسی غربی استوار هستند. این مقاله با استناد به آیات و روایات اسلامی، مدلی ارائه می دهد که می تواند به عنوان یک الگوی تربیتی مناسب برای خانواده های مسلمان مورد استفاده قرار بگیرد. این پژوهش با استخراج مفاهیم و مؤلفه های فرزندپروری عزت نفس محور از منابع اسلامی، راهکارهای عملی و کاربردی را در اختیار والدین قرار می دهد. بررسی های انجام گرفته نشان داد پژوهشی که در راستای بهبود عزت نفس فرزندان، با نگاهی روان شناسی و از طرفی مبتنی بر آموزه های دین اسلام (آیات و روایات) باشد، یافت نشد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر مدل مفهومی فرزندپروری عزت نفس محور بر اساس منابع اسلامی است و درصدد پاسخ به این سؤالات است که:

۱. مدل مفهومی فرزندپروری عزت نفس محور بر اساس منابع اسلامی چه ویژگی هایی دارد؟
۲. روایی محتوایی مدل مفهومی فرزندپروری عزت نفس محور مبتنی بر منابع اسلامی چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ رویکرد «کیفی» و از نوع «نظریه داده بنیاد» است. در روش نظریه داده بنیاد، تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس فرایند «کدگذاری» (Coding) صورت می گیرد. کدگذاری شامل سه مرحله «کدگذاری باز» (Open Coding)، «کدگذاری محوری» (Axial Coding) و «کدگذاری گزینشی» (Selective Coding) است. این مرحله، فرایند یکپارچه سازی و پالایش مقوله ها در جهت خلق نظریه است. در این روش، چند کد که اشاره به جنبه مشترک یک پدیده دارند، عنوان «مفهوم» (Concept) به خود می گیرند و از ترکیب و قرار گرفتن چند مفهوم، یک «مقوله» تشکیل می شود. وقتی مقولات اصلی در مرحله کدگذاری محوری به شیوه های گوناگون با یکدیگر قیاس و در ارتباط قرار داده می شود، مرحله تازه ای آغاز می شود و با بالاتر رفتن سطح داده ها، به سوی «بعد» (Dimension) پیش رفته و در نهایت به «نظریه» (Theory) ختم می شود (Carpenter & Speziale, 2007، به نقل از: خطیب و همکاران، ۱۴۰۱).

جامعه متنی: گزاره های توصیفی و تبیینی آیات و روایات مرتبط با موضوع پژوهش که نمونه های پژوهش به شمار می آمدند، به واسطه سه دسته ابزار، گردآوری شدند: ۱. کتاب: شامل قرآن کریم و کتاب هایی که در آن روایات جمع آوری شده است؛ ۲. نرم افزار: شامل نرم افزار جامع الاحادیث؛ ۳. وبسایت: شامل پایگاه های معتبر علمی که محتوای کتاب های ذکر شده را دارا بودند. جامعه آماری پژوهش در بررسی روایی محتوایی را کارشناسان خبره ای تشکیل می دهد که در حیطه فهم و استنباط منابع اسلامی و رشته روان شناسی آگاه و نسبتاً در یک سطح باشند. در مرحله نمونه گیری، آیات و روایاتی انتخاب شدند که به صورت مستقیم به چگونگی رفتار با فرزند اشاره داشتند یا به صورت غیرمستقیم می شود آنها را در فرزندپروری به کار گرفت.

مراحل اجرای پژوهش

مرحله اول، مطالعات کتابخانه ای: مبانی نظری و پیشینه پژوهش در زمینه موضوع عزت نفس و فرزندپروری مرور شد. متون و منابع اسلامی شامل قرآن، روایات و آموزه های دینی در زمینه فرزندپروری و عزت نفس بررسی شد.

معیار درجه‌بندی کتب روایی، کتاب‌های حدیثی بر اساس دوازده ملاک رد و قبول کتب، در سه گروه رتبه‌بندی شد:

۱. کتاب‌های درجه «الف»: کتاب‌های مقبول و قابل اعتماد شیعیان؛ ۲. کتاب‌های درجه «ج»: کتاب‌های ضعیف که از آنها به‌مثابه مؤید استفاده شده؛ ۳. کتاب‌های درجه «ب»: مابین دو گروه دیگرند و برای استناد صلاحیت نسبی دارند. در این پژوهش سعی بر آن بود که از منابع درجه «الف» و «ب» استفاده شود و از منابع درجه «ج» به‌عنوان شاهد و برای تأیید استفاده شود؛

مرحله دوم، گردآوری داده‌ها: در این پژوهش به جمع‌آوری آیات و روایاتی پرداخته شد که به‌گونه‌ای با عزت‌نفس کودکان و حفظ کرامت (که بیشترین قربات معنایی را با این واژه روان‌شناختی دارد) آنان مرتبط است یا می‌توان آن را به کودکان نیز تعمیم داد. از مجموع ۱۵۹ آیه و روایت، ۲۷۱ کد به‌دست آمد، که بر اساس روش تحقیق کیفی «نظریه داده‌بنیاد»، مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد و به ۶۱ مفهوم، ۲۳ مقوله و یک مدل ختم شد؛

مرحله سوم، تحلیل داده‌ها: کدگذاری باز، محوری و انتخابی داده‌ها و استخراج مقولات و تدوین مدل مفهومی اولیه؛

مرحله چهارم، روایی‌سنجی مدل: نظرخواهی از خبرگان در مورد مدل تدوین‌شده بر اساس نظرسنجی دلفی و اصلاح و تکمیل مدل بر اساس نظرات خبرگان جهت تدوین نهایی مدل مفهومی فرزندپروری عزت‌نفس محور مبتنی بر منابع اسلامی انجام شد.

بررسی روایی محتوا: پس از تعیین مؤلفه‌ها و نشانگان، ضروری است تا اعتبار استنباط‌های پژوهشگر مورد ارزیابی و روایی آنها مشخص گردد. برای این منظور، از روش سنجش محتوایی استفاده گردید. برای ارزیابی روایی محتوایی مؤلفه‌ها بر اساس مستندات عرضه‌شده از منابع مفهوم‌شناسی، درباره میزان مطابقت هر مؤلفه با مفهوم مدنظر با میزان ضرورت هر مؤلفه برای آن مفهوم، از نظر کارشناسان موضوع خواسته می‌شود به‌منظور ارزیابی روایی محتوایی مؤلفه‌های مفهومی به‌صورت دو روش کیفی و کمی نظرات خود را ابراز کنند. در روش کیفی محتوا پژوهشگر از کارشناسان درخواست می‌کند بازخورد لازم را درباره ارتباط و ضرورت مؤلفه‌ها با مفهوم بدهند تا اطلاعات اصلاح شود. در روش کمی محتوا، از کارشناسان متخصص خواسته می‌شود مؤلفه‌ها را ببینند، مستندات و استدلال محقق را بخوانند و آنها را با توجه به میزان دقتی که در حکایت از مفهوم دارند درجه‌بندی کنند (عباسی و پسندیده، ۱۳۹۶). فرایند سنجش روایی محتوایی در چهار مرحله تحت عنوان: «حرکت از مستندات به مفهوم»، «حرکت از مفهوم به مقوله»، «حرکت از مقوله به بعد» و «حرکت از بعد به مدل» مورد بررسی قرار گرفت. در جهت بررسی میزان موثق بودن نتایج کیفی، از ده کارشناس خواسته شد تا مفاهیم، مقوله‌ها، ابعاد و مدل مفهومی برگرفته از داده‌ها را تأیید کنند. برای اطمینان از اتکاپذیری داده‌ها و کمی‌سازی آن، دو شیوه «شاخص روایی محتوا» (CVI) و «نسبت روایی محتوا» (CVR)، ملاک عمل قرار گرفت، که نتایج میزان ارتباط مستندات دینی پژوهش با مفاهیم مدل و سپس نتایج روایی محتوای عوامل، مؤلفه‌ها، پیامدها و ابعاد و همچنین مدل نهایی، نمایش داده شده است.

یافته‌های پژوهش

طبق یافته‌های پژوهش حاضر، ابعاد اصلی مدل مفهومی فرزندپروری را می‌توان شامل: الف) «عوامل زمینه‌ساز»؛ ب) «عوامل آشکارساز»؛ ج) «موانع»؛ د) «مؤلفه‌ها» و ه) «پیامدها» قرار داد و سپس تمام مقوله‌ها را ذیل این پنج بُعد طبقه‌بندی کرد. همان‌طور که در جدول (۱) نمایان است، روایی محتوای مستندات دینی از وضعیت مطلوبی برخوردار است؛ به‌طوری‌که نمره هریک از مستندات دینی مفاهیم، عوامل، مؤلفه‌ها، پیامدها و ابعاد و نیز نمره کل آنان در شاخص CVI، بالاتر از مقدار CVI بحرانی، یعنی ۰/۷۸ است؛ بنابراین مطابقت همه مستندات دینی، مفاهیم، عوامل، مؤلفه‌ها، پیامدها و ابعاد مدل فرزندپروری تأیید شد.

از سوی دیگر، طبق نتایج جدول‌های یادشده، نمره هریک از مستندات دینی، مفاهیم، مقوله‌ها و ابعاد و نیز شاخص CVR، با نمره بالاتر از میزان لازم، یعنی ۰/۶۲ تأیید شد و تنها در مفهوم «اولویت هدیه با دختران» ۰/۶۰ بود که پژوهشگر این کد را از مدل حذف کرد.

جدول ۱: میزان ارتباط مفاهیم، عوامل، مؤلفه‌ها و پیامدها مدل فرزندپروری عزت‌نفس محور

CVR	CVI	تعداد کارشناسان موافق		تعداد کارشناسان مخالف		زیرمقوله‌ها	مفاهیم، عوامل، مؤلفه‌ها و پیامدها
		مطابقت	ضرورت	مطابقت	ضرورت		
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰	مستندات دینی مفاهیم	باور به کرامت فرزندان
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		کرامت‌بخشی به فرزندان
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		فرزندپوسی
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		آغوش‌گیری فرزندان
۰/۸۰	۱	۱	۰	۰	۹		تحسین وجود فرزند
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		عدل‌ورزی با فرزندان
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		محبت‌ورزی با فرزندان
۰/۸۰	۱	۱	۰	۰	۹		احترام‌ورزی کلامی با فرزندان
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		وفای به عهد با فرزندان
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		عبور از خطای فرزندان
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		پرهیز از نفرین فرزندان
۰/۸۰	۱	۰	۰	۰	۹		خوداحترام‌گذاری
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		تشویق فرزندان
۰/۸۰	۰/۹۰	۱	۱	۱	۹		شاد کردن فرزندان
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		سرزنش زیاد
۰/۶۰	۰/۹۰	۲	۱	۱	۸		اولویت هدیه با دختران
۰/۸۰	۰/۹۰	۱	۱	۱	۹		هم‌بازی شدن با فرزند
۰/۸۰	۰/۹۰	۱	۱	۱	۹		هم‌غذایی با فرزند
۰/۸۰	۱	۱	۰	۰	۹		خوش اخلاقی با فرزند
۰/۸۰	۱	۲	۰	۰	۹		آزارگریزی در تربیت
۰/۸۰	۱	۱	۰	۰	۹		حق بازی دهی به فرزند
۱	۱	۰	۰	۰	۱۰		آسیب‌گریزی فیزیکی
۰/۸۰	۱	۱	۰	۰	۹		خشم‌گریزی در تربیت

۰/۸۰	۰/۹۰	۱	۱	۹	۹	انعطاف پذیری در تربیت
۰/۸۰	۱	۱	+	۹	۱۰	صداقت‌ورزی با فرزندان
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	تحقیر‌گریزی فرزندان
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	دشنام‌ستیزی
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	احترام در خطاب
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	قهر‌گریزی طولانی
۰/۸۰	۱	۱	+	۹	۱۰	تقدم‌بخشی فرزند در ملاقات
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	توان‌پذیری از فرزندان
۱	۰/۹۰	+	۱	۱۰	۹	آرامش‌سازی فرزندان
۱	۰/۹۰	+	۱	۱۰	۹	هدیه‌دهی به فرزندان
۰/۸۰	۱	۱	+	۹	۱۰	کودکی کردن با فرزند خردسال
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	پذیرش فرزند ناخواسته
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	فاجعه‌زدایی از جنسیت فرزند
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	رسمیت‌بخشی به حقوق فرزند
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	تشویق به استقلال در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و اجتماعی
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	رهایی در هفت سال اول، پایه استقلال در هفت سال سوم
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	ارتباط پدانه و مشورتی
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	لزوم محبت و احترام و وفای به عهد
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	هم‌سطح شدن با کودکان
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	آموزش در عین مهربانی
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	تعیین مرزهای رفتار
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	والدین مسئول حفظ خانواده و فرزندان از انحرافات و اشتباهات
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	آموزش ارزش‌های اخلاقی
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	رفتار نرم و مهربانانه به جای تندخویی
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	پیامبر الگویی تمام عیار
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	دعوت به کار خوب با عمل
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	تشویق به انجام وظایف دینی، نشانه اعتماد به افراد
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	اعتماد به استعدادهای کودکان طبق شرایط
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	موقعه با احترام و محبت
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	احترام و گرمی‌داشتن کودکان
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	احترام به نیازهای طبیعی کودک
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	تن ندادن به ذلت و خواری
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	شخصیت قوی داشتن
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	تقویت اراده و خودباوری
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	استقلال و خوداعتمادی
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	گذشتن از ظلم سبب عزت دنیا و آخرت
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	انصاف سبب عزت
۱	۱	+	+	۱۰	۱۰	خوار شدن شهوت‌ها

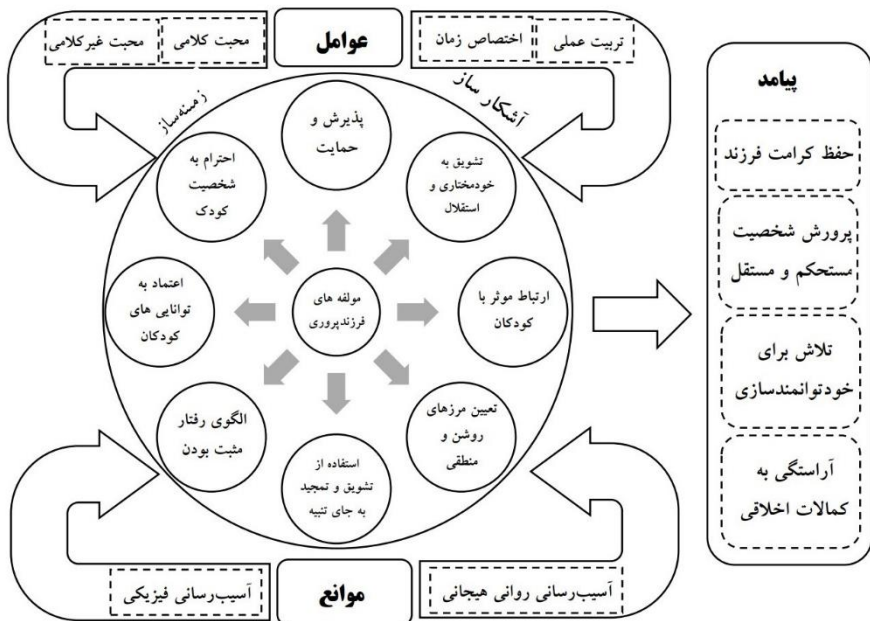
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰	اختصاص زمان	هم‌غذایی با فرزند
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		هم‌بازی شدن با فرزند
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		کودکی کردن با فرزند خردسال
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰	محبت غیر کلامی	شاد کردن فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		فرزندپوسی
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		آغوش گیری فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		اولویت هدیه با دختران
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰	محبت کلامی	هدیه‌دهی به فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		تحسین وجود فرزند
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		محبت‌ورزی با فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		تشویق فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰	آسیب‌رسانی روانی	پرهیز از نفرین فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		پرهیز از سرزنش زیاد
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		آزارگری در تربیت
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		دشنام‌ستیزی
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		پرهیز از تربیت کودکان هنگام خشم
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		تحقیرگری فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰	آسیب‌رسانی جسمی	آسیب‌گریزی فیزیکی
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰	تربیت عملی	عدل‌ورزی با فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		خوداحترام‌گذاری
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		مصاداقت‌ورزی با فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		وفای به عهد با فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰	حفظ کرامت فرزندان	خوش اخلاقی با فرزند
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		کرامت‌بخشی به فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		باور به کرامت فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		تقدم‌بخشی فرزند در ملاقات
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		احترام در خطاب
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		آراسته‌سازی فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		توان‌پذیری از فرزند
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		انعطاف‌پذیری در تربیت
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		حق بازی‌دهی به فرزند
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		احترام‌ورزی کلامی با فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		عبور از خطای فرزندان
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		قهرگریزی طولانی
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰	پذیرش و حمایت	پذیرش فرزند ناخواسته
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		فاجعه‌زدایی از جنسیت فرزند
۱۰	۱۰	+	+	۱۰	۱۰		رسمیت‌بخشی به حقوق فرزند

۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	تشویق به خودمختاری و استقلال	تشویق به استقلال در تصمیم گیری های اخلاقی و اجتماعی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	ارتباط مؤثر با کودکان	رهایی در هفت سال اول، پایه استقلال در هفت سال سوم
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	ارتباط مؤثر با کودکان	ارتباط پدرا نه و مشورتی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	ارتباط مؤثر با کودکان	لزوم محبت و احترام و وفای به عهد
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	ارتباط مؤثر با کودکان	هم سطح شدن با کودکان
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	ارتباط مؤثر با کودکان	آموزش در عین مهربانی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	تعیین مرزهای روشن و منطقی	تعیین مرزهای رفتار
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	تعیین مرزهای روشن و منطقی	تعیین مرزهای رفتار
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	تعیین مرزهای روشن و منطقی	والدین مسئول حفظ خانواده و فرزندان از انحرافات و انحرافات
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	تعیین مرزهای روشن و منطقی	آموزش ارزش های اخلاقی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	استفاده از تشویق و تمجید به جای تنبیه	رفتار مهربانانه به جای تندخویی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	الگوی رفتار مثبت بودن	پیامبر الگویی تمام عیار
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	اعتماد به توانایی های کودکان	دعوت به کار خوب با عمل
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	اعتماد به توانایی های کودکان	تشویق به انجام وظایف دینی، نشانه اعتماد به افراد
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	اعتماد به توانایی های کودکان	اعتماد به استعداد های کودکان طبق شرایط
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	احترام به شخصیت کودک	موعظه با احترام و محبت
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	احترام به شخصیت کودک	احترام و گرمی داشت کودکان
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	احترام به شخصیت کودک	احترام به نیاز های طبیعی کودک
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	پرورش شخصیت محکم	تن ندادن به ذلت و خواری
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	پرورش شخصیت محکم	شخصیت قوی داشتن
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	تلاش برای خودتوانمند سازی	تقویت اراده و خودباوری
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	تلاش برای خودتوانمند سازی	استقلال و خود اعتمادی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	آراستگی به کمالات اخلاقی	گذشتن از ظلم سبب عزت دنیا و آخرت
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	آراستگی به کمالات اخلاقی	انصاف سبب عزت
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	آراستگی به کمالات اخلاقی	خوار شدن شهوت ها
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	عوامل آشکار ساز	اختصاص زمان
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	عوامل آشکار ساز	مقوله تربیت عملی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	عوامل زمینه ساز	محبت کلامی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	عوامل زمینه ساز	محبت غیر کلامی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	موانع تکریم فرزند	آسیب رسانی روانی هیجانی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	موانع تکریم فرزند	آسیب رسانی جسمی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	پيامدهای تکریم فرزند	حفظ کرامت فرزندان
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	پيامدهای تکریم فرزند	پرورش شخصیت مستحکم و مستقل
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	پيامدهای تکریم فرزند	تلاش برای خودتوانمند سازی
۱	۱	۰	۰	۱۰	۱۰	پيامدهای تکریم فرزند	آراستگی به کمالات اخلاقی

۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۱۰	۱۰	+	+	۱	۱
۰/۹۸	۰/۹۹				

با توجه به کدگذاری‌های صورت گرفته و تجزیه و تحلیل داده‌ها، می‌توان مدل مفهومی فرزندپروری عزت‌نفس محور را به صورتی که در شکل (۱) است ترسیم کرد.

شکل ۱: مدل مفهومی فرزندپروری عزت‌نفس محور



همان‌طور که در شکل (۱) نمایش داده شده است، مدل مفهومی فرزندپروری عزت‌نفس محور متشکل از موانع، عوامل (آشکارساز و زمینه‌ساز)، مؤلفه‌ها و پیامد است. عوامل زمینه‌ساز که والدین می‌توانند آن را فراهم آورند «محبت

کلامی» و «غیر کلامی» است. از عوامل آشکار ساز که تعاملات والدین را شامل می‌شود «اختصاص زمان» و «تربیت عملی» را می‌توان نام برد. مؤلفه‌های فرزندپروری که با انجام دادن آنها عزت‌نفس کودکان تقویت می‌شود عبارت‌اند از: «پذیرش و حمایت»، «تشویق به خودمختاری و استقلال»، «ارتباط مؤثر با کودکان»، «تعیین مرزهای روشن و منطقی»، «استفاده از تشویق و تمجید به جای تنبیه»، «الگوی رفتار مثبت بودن»، «اعتماد به توانایی‌های کودکان» و «احترام به شخصیت کودک». موانع بالا رفتن عزت‌نفس فرزندان، «پرهیز از آسیب‌رسانی روانی هیجانی» و «جسمی». در نهایت، برطرف کردن موانع، فراهم آوردن زمینه‌ها و انجام مؤلفه‌ها، موجب پیامدهای «حفظ کرامت فرزند»، «پرورش شخصیت مستحکم و مستقل»، «تلاش برای خودتوانمندسازی» و «آراستگی به کمالات اخلاقی» می‌شود، که بالا رفتن عزت‌نفس فرزند را به دنبال دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تدوین مدل مفهومی فرزندپروری عزت‌نفس محور بر اساس منابع اسلامی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل مفهومی فرزندپروری عزت‌نفس محور بر اساس منابع اسلامی از پنج بُعد «عوامل زمینه‌ساز»، «عوامل آشکار ساز»، «موانع»، «پیامدها» و «مؤلفه‌ها» تشکیل شده است. نخستین بُعد، «عوامل زمینه‌ساز» است که از مقوله‌های «محبت کلامی» و «محبت غیر کلامی» تشکیل شده است. سفارش به محبت کلامی را می‌توان در این حدیث یافت: «كُنْتُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِذْ دَخَلَ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ الْأَصْغَرَ فَدَعَاهُ الْحُسَيْنُ ضَمَّهُ إِلَيْهِ ضَمًّا وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ: يَا بَنِي أُنْتُ! مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَأَحْسَنَ خَلْقَكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق)؛ در سیره رفتاری امام حسین علیه السلام آمده است که نزد امام حسین علیه السلام بودم که فرزندش علی علیه السلام وارد شد. حضرت فرزند خویش را صدا زد و در آغوشش گرفت و به سینه چسباند، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد! چقدر خوش‌بو و زیبایی. سفارش در محبت غیر کلامی را نیز می‌توان در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله مشاهده کرد: «مَنْ حَمَلَ مِنَ السَّوْقِ طُرْفَةً إِلَى وَلَدِهِ، كَانَ كَمَنْ حَمَلَ صَدَقَةً حَتَّى يَضَعَهَا فِي فِيهِمْ» (شریف رضی، ۱۳۷۸، ص ۳۵۲)؛ هرکس از بازار هدیه‌ای برای فرزندانش بیاورد، همانند کسی است که صدقه‌ای حمل می‌کند تا آنگاه که آن را در دهان آنان بگذارد.

محبت کلامی به‌عنوان یکی از روش‌های مؤثر در تربیت کودکان می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی بر عزت‌نفس و خودپنداری آنان داشته باشد. محبت کلامی شامل عباراتی است که والدین برای تشویق، تمجید و ابراز علاقه به کودکان استفاده می‌کنند. این کلمات می‌توانند حس ارزشمندی و اعتماد به نفس را در کودکان تقویت کنند. تحقیقات رینولدز و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که کودکان که محبت کلامی و حمایت عاطفی بیشتری از والدین خود دریافت می‌کنند، عزت‌نفس بالاتری دارند و در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی عملکرد بهتری دارند. مطالعه برنشتاین (۲۰۱۳) در تحقیق خود نشان داد که والدینی که به‌طور مداوم از الفاظ محبت‌آمیز برای تشویق

و تحسین فرزندان خود استفاده می‌کنند، نه تنها عزت نفس کودکان را افزایش می‌دهند، بلکه باعث می‌شوند کودکان احساس امنیت و محبت بیشتری نیز داشته باشند. مطالعه ابریس و همکاران (۲۰۱۲) ارتباط مستقیمی بین محبت کلامی والدین و عزت نفس کودکان پیدا کرد. نتایج نشان داد که محبت کلامی باعث می‌شود کودکان حس کنند که ارزشمند و مورد توجه هستند، که این خود منجر به افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس می‌شود.

محبت غیرکلامی شامل اعمال و رفتارهایی است که والدین بدون استفاده از کلمات، محبت و توجه خود را به فرزندان نشان می‌دهند. این نوع محبت می‌تواند شامل لمس محبت‌آمیز، نگاه‌های گرم، لبخند، بغل کردن و حضور فیزیکی نزدیک باشد. تحقیقات فیلد (۲۰۱۰) نشان داد که لمس محبت‌آمیز والدین می‌تواند به طور مستقیم عزت نفس کودکان را تقویت کند. کودکانی که بیشتر از والدین خود بغل می‌شوند و لمس محبت‌آمیز دریافت می‌کنند، احساس امنیت و اعتماد به نفس بیشتری دارند. مطالعه آکرم و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نگاه‌های گرم و توجه بدون کلام والدین، می‌تواند به طور قابل توجهی بر عزت نفس کودکان تأثیر بگذارد. کودکانی که نگاه‌های محبت‌آمیز و توجه بدون کلام بیشتری دریافت می‌کنند، خودپنداره مثبت تری دارند. در تحقیق هارلو (۲۰۱۱) مشخص شد که حضور فیزیکی نزدیک والدین؛ مانند نشستن در کنار کودک و ایجاد ارتباط چشمی، می‌تواند احساس ارزشمندی و عزت نفس را در کودکان تقویت کند. این تحقیق نشان داد که کودکان به توجه غیرکلامی والدین به شدت پاسخ می‌دهند و این توجه می‌تواند به تقویت عزت نفس آنها کمک کند.

دومین بُعد که «عوامل آشکارساز» نام دارد، از مقوله‌های «اختصاص زمان» و «تربیت عملی» تشکیل شده است. مؤید مقوله اول روایتی از پیامبر ﷺ است که برای حسن و حسین علیهما السلام نیم‌خیز نشست و آنان را سوار کرد و دست‌ها و پاهایشان را مخالف یکدیگر قرار داد و فرمود: «نعمَ الْجَمَلُ جَمَلُکُمَا» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۸۷)؛ شتر شما، شتر خوبی است؛ و مؤید مقوله دوم حدیثی از امام علی علیه السلام است که می‌فرماید: «لا یصلحُ من الکذبِ جُذٌّ ولا هزلٌ، ولا أن یعدَّ أحدُکُم صبیهُ ثُمَّ لا یفی لَهُ، إِنَّ الکَذِبَ یهدی إلى الفُجُورِ» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۵۰۵)؛ دروغ، چه جدی و چه شوخی، درست نیست و نیز اینکه کسی از شما به کودکش وعده بدهد و به آن وفا نکند؛ چرا که دروغ (انسان را) به افسار گسیختگی می‌کشاند.

نظریه دلبستگی (Attachment Theory) که توسط جان بالبی و مری آیزنورث ارائه شده، نشان می‌دهد که اختصاص زمان با کیفیت به کودک می‌تواند به ایجاد احساس امنیت و ارزشمندی در او کمک کند. این احساسات، پایه‌گذار عزت نفس مثبت در کودک هستند (Bowlby, 1998). اغلب والدینی که زمان برنامه‌ریزی شده با هریک از فرزندان ندارند بر واکنش‌هایشان به رفتار آنها از قبل فکر نکرده‌اند؛ مثل وقتی که به فروشگاه می‌روند، یا وقتی که با هم به تعطیلات می‌روند، یا وقتی که با هم در ماشین از مدرسه برمی‌گردند. وقتی والدین کیلومترها طی می‌کنند تا یک وقت یک‌به‌یک را با فرزندانشان بگذرانند، یک پیام واضح و شفاف به آنها می‌دهند: «شما در حال حاضر برای

من از هر چیز دیگری مهم تر هستید. شما ارزشمندید؛ زیرا وقت من را پربارتر می کنید». در شرایطی که والدین بیش از حد مشغول کار و درگیری های روزمره خود هستند، پیام فوق از سوی فرزندان بهتر دیده می شود. کافی است بگوییم بچه ها معنی مشغول بودن را می فهمند و قطعاً می دانند چه چیزی برای والدینشان ارزش دارد و آنها برای چه چیزی وقت می گذارند؛ بنابراین وقتی که والدی برای فرزندش وقت اختصاصی می گذارد، این کار باعث ایجاد یک رابطه فوق العاده بین والد و فرزند خواهد شد (Louis & louis, 1396).

تربیت عملی که شامل رفتارها و روش های والدین در برخورد و هدایت کودکان است، نقش مهمی در شکل گیری عزت نفس کودکان ایفا می کند. تربیت عملی به معنای الگوهای رفتاری، تشویق ها، تنبیه ها و راهنمایی هایی است که والدین به طور مداوم در زندگی روزمره به کار می برند. بامریند (۱۹۹۱) در مطالعه خود سه سبک تربیتی اصلی (اقتدارطلب، سهل گیر و مقتدر) را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که سبک مقتدر، که شامل ترکیبی از محبت و کنترل است، بیشترین تأثیر مثبت را بر عزت نفس کودکان دارد. کودکانی که والدین مقتدر دارند، معمولاً عزت نفس بالاتری دارند؛ زیرا این والدین با ارائه حمایت و انتظارات منطقی، احساس ارزشمندی و توانمندی را در کودکان تقویت می کنند. مکویی و همکاران (۱۹۸۳) در مطالعه ای بر روی خانواده ها نشان دادند که والدینی که تعاملات مثبت و محبت آمیز با کودکان خود دارند و در عین حال قوانین و انتظارات واضحی را نیز برقرار می کنند، به طور مستقیم بر عزت نفس کودکان تأثیر می گذارند. این روش تربیتی باعث می شود که کودکان حس کنند که هم مورد محبت قرار می گیرند و هم توانایی انجام کارها و مواجهه با چالش ها را دارند. تربیت عملی مبتنی بر محبت و کنترل متعادل، به کودکان احساس امنیت، ارزشمندی و توانمندی می دهد که به افزایش عزت نفس آنها کمک می کند.

بُعد سوم از ابعاد مدل فرزندپروری عزت نفس محور، «موانع» است که دو مقوله «آسیب رسانی روانی هیجانی» و «آسیب رسانی جسمی» را دربر می گیرد. امام علی علیه السلام می فرمایند: «الْأَفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ نِيرَانُ الْجَحَاجِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۸۴)؛ زیاده روی در سرزنش کردن، آتش لجابت را شعله ور می سازد. این حدیث نشان دهنده نهی کردن ائمه علیهم السلام از آسیب رسانی روانی هیجانی است. در روایت داریم: «أَنَّ رَجُلًا يَقَالُ لَهُ إِعَاقِبْهُمْ؟ فَقَالَ: تَعَفَوْ، ثُمَّ قَالَ الْغَائِيه، حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا، قَالَ: فَإِنْ عَاقَبْتَ فَعَاقِبْ بِقَدْرِ الذَّنْبِ، وَاتَّقِ الْوَجْهَ» (طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۶۹)؛ مردی به نام جُزْ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای پیامبر خدا! خانواده ام مرا خشمگین می سازند، به چه چیزی آنان را مجازات کنم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در گذر»؛ سپس بار دیگر گفت، تا اینکه سه بار تکرار کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر مجازات کردی، به اندازه اشتباه مجازات کن و از (زدن به) صورت بپرهیز»، که این حدیث خود نشان دهنده نهی از آسیب رسانی جسمی به فرزندان است.

آسیب‌رسانی روانی هیجانی به کودکان، که شامل سوءاستفاده کلامی، نادیده گرفتن نیازهای عاطفی و تحقیر مداوم است، می‌تواند تأثیرات منفی جدی بر عزت‌نفس کودکان بگذارد. کودکان در محیط‌هایی که از لحاظ روانی و هیجانی آسیب‌زا هستند، معمولاً با مشکلاتی مانند کمبود اعتمادبه‌نفس، اضطراب و افسردگی مواجه می‌شوند. آسیب‌های روانی هیجانی مانند تحقیر، سرزنش و بی‌توجهی می‌تواند عزت‌نفس کودکان را به شدت کاهش دهد. چنین آسیب‌هایی باعث می‌شود که کودکان احساس بی‌ارزشی و ناتوانی کنند (Harter, 1999). تحقیقات کِمپل و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد که کودکانی که در معرض سوءاستفاده روانی و هیجانی قرار دارند، معمولاً عزت‌نفس پایینی دارند. این کودکان اغلب احساس بی‌ارزشی و ناکافی بودن می‌کنند و در مواجهه با چالش‌ها، اعتمادبه‌نفس کمتری از خود نشان می‌دهند. گلیر (۲۰۰۲) در مطالعه خود نشان داد که نادیده گرفتن نیازهای عاطفی کودکان و عدم ارائه حمایت‌های روانی هیجانی، می‌تواند به کاهش شدید عزت‌نفس در کودکان منجر شود. این تحقیق نشان داد که کودکان نیاز دارند تا از سوی والدین و مراقبان خود مورد محبت و توجه قرار گیرند تا بتوانند احساس ارزشمندی و اعتمادبه‌نفس را در خود پرورش دهند.

تنبیه بدنی تأثیرات منفی عمیقی بر عزت‌نفس کودکان دارد. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که تنبیه بدنی می‌تواند منجر به کاهش عزت‌نفس، افزایش رفتارهای پرخاشگرانه و مشکلات روانی طولانی مدت در کودکان شود. این رفتارها می‌تواند احساس بی‌ارزشی و خودپنداره منفی را در کودکان تقویت کنند، که مستقیماً با کاهش عزت‌نفس مرتبط است (Gershoff, 2002; Paschall & Straus, 2009).

با توجه به داده‌های گردآوری شده از آیات و روایات و طبقه‌بندی آنها، ۸ مؤلفه فرزندپروری عزت‌نفس محور به‌دست آمد، که چهارمین بُعد مدل این پژوهش را می‌سازد؛ این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: «پذیرش و حمایت»، «تشویق به خودمختاری و استقلال»، «ارتباط مؤثر با کودکان»، «تعیین مرزهای روشن و منطقی»، «استفاده از تشویق و تمجید به جای تنبیه»، «الگوی رفتار مثبت بودن»، «اعتماد به توانایی‌های کودکان» و «احترام به شخصیت کودک». در تبیین این مؤلفه‌ها می‌توان گفت مؤلفه «پذیرش و حمایت»: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۹۲)؛ فرزند خود را تا هفت سالگی رها کن تا بازی کند. این روایت به وضوح نشان‌دهنده اهمیت و توجه به حقوق و نیازهای طبیعی کودکان در دوران اولیه زندگی است و می‌توان آن را به‌عنوان یک راهنما برای رسمیت‌بخشی به حقوق فرزند در نظر گرفت؛ مؤلفه «تشویق به خودمختاری و استقلال»: «يَا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان: ۱۷)؛ ای پسر! نماز را برپا دار و به معروف امر کن و از منکر بازدار و بر آنچه بر تو وارد می‌شود صبر کن، که این از عزم امور است. در این آیه حضرت لقمان علیه السلام با تشویق فرزندش به انجام وظایف دینی در قالب تأکید بر برپایی نماز، به او می‌آموزد که خود باید مسئولیت انجام وظایف دینی خود را بر عهده

بگیرد. این مهم می‌تواند به معنای ایجاد استقلال در انجام عبادات و مسئولیت‌پذیری شخصی باشد؛ مؤلفه «ارتباط مؤثر با کودکان»: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان: ۱۷)؛ ای پسر من! نماز را برپا دار و به معروف امر کن و از منکر بازدار و بر آنچه بر تو وارد می‌شود صبر کن، که این از عزم امور است. این آیه در مورد نقش پدر در تربیت فرزندان و اهمیت مشورت و ارتباط مؤثر با کودکان است؛ مؤلفه «تعیین مرزهای روشن و منطقی»: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند حفظ کنید. این آیه می‌تواند به عنوان مبنایی برای تعیین مرزهای روشن و منطقی در راستای حفظ خانواده و فرزندان از انحرافات و اشتباهات مورد استفاده قرار گیرد؛ مؤلفه «استفاده از تشویق و تمجید به جای تنبیه»: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند. این آیه نشان می‌دهد که پیامبر اسلام ﷺ به برکت رحمت الهی، با اهل توبه و استقامت، نرم‌خو و مهربان بوده است. می‌توان این نرمی و مهربانی را به عنوان یک نمونه برای والدین دانست تا در پرورش فرزندان‌شان از این مدل رفتاری الهام بگیرند؛ مؤلفه «الگوی رفتار مثبت بودن»: امام صادق (ع) می‌فرمایند: «كونوا دعاة الناس بغير ألسنتكم ليروا منكم الورع والاجتهاد والصلاة والخير، فإن ذلك داعية» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۸)؛ مردم را با غیر زبان خود دعوت کنید تا از شما پرهیزکاری، تلاش، نماز و خیر ببینند؛ زیرا این خود دعوت‌کننده است. این روایت به والدین و پرورش‌دهندگان توصیه می‌کند که به جای صرفاً حرف زدن و توصیه کردن، با ارائه عمل نیک و الگوی مثبت برای دیگران، آنها را به دنبال اخلاقیات و عمل‌های نیکو و الهام‌بخش بکشند؛ مؤلفه «اعتماد به توانایی‌های کودکان»: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان: ۱۷)؛ ای پسر من! نماز را برپا دار و به معروف امر کن و از منکر بازدار و بر آنچه بر تو وارد می‌شود صبر کن، که این از عزم امور است. این آیه به والدین آموزش می‌دهد که کودکان خود را به انجام وظایف دینی؛ مانند نماز، امر به معروف و نهی از منکر، تشویق کنند. این اقدام نشان از اعتماد به توانایی‌های دینی و اخلاقی کودکان دارد که می‌توانند در انجام این وظایف به درستی عمل کنند؛ مؤلفه «احترام به شخصیت کودک»: پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ» (متقی هندی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۲۲)؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و به خوبی تربیت‌شان کنید تا مورد مغفرت الهی قرار گیرید. این روایت نشان می‌دهد که والدین باید به شخصیت کودکان احترام بگذارند. احترام به کودکان شامل محترمانه بودن در ارتباطات، گوش دادن به نظرات آنها و احترام به انتخاب‌تشان است. مؤلفه‌هایی که در پژوهش حاضر برای عزت نفس حاصل شد با یافته‌های تحقیقات دیگران همسو است؛ برای مثال پژوهش

میرزاترابی (۱۴۰۰) ۸ مؤلفه شامل آگاهانه زیستن، خویشتن‌پذیری، خودتأییدی، ارتباط با اطرافیان، با صداقت زیستن، خودمسئولی، هدفمند زیستن و شایستگی استخراج شد.

پنجمین و آخرین بُعد، «پیامدها» نام دارد. این بُعد شامل مقوله‌های «حفظ کرامت فرزندان»، «پرورش شخصیت مستحکم و مستقل»، «تلاش برای خودتوانمندسازی» و «آراستگی به کمالات اخلاقی» است. مقوله «حفظ کرامت فرزندان»: امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «با بچه‌هایتان به گونه‌ای برخورد کنید که آنها خودشان را کریم و با شخصیت بدانند» (آمدی، ۱۴۲۹ق)؛ مقوله «شخصیت مستحکم و مستقل»: بر اساس این حدیث نبوی صلی الله علیه و آله در اصل «لا ذلّت منذ عزّت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق)؛ عزت با ذلت قابل جمع نیست؛ بنابراین شخص با عزت، از کارهای ممنوع پرهیز می‌کند و به انجام کارهایی که مورد تأیید حق تعالی است می‌پردازد (موسوی، ۱۳۹۴)؛ مقوله «تلاش برای خودتوانمندسازی»: روحیه استقلال و خودتأکیابی ناشی از کرامت و عزت نفس، از آثار این خصلت ارجمند است و در آموزه‌های دینی، همواره مورد تأکید قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام فرمود: «عزّ المؤمن استغنائه عن الناس» (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۱۴۸)؛ عزت مؤمن در بی‌نیازی او از مردم است؛ و مقوله «آراستگی به کمالات اخلاقی»: امام علی علیه السلام در گفتار حکمت‌آمیزی اشاره به تضادی می‌کند که در میان شخصیت و شهوت‌پرستی وجود دارد، می‌فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ» (سید رضی، ۱۳۸۵، حکمت ۴۴۹)؛ کسی که برای خود شخصیت قائل باشد، شهواتش در برابرش خوار خواهند بود. پیامدهایی که برای عزت نفس به دست آمد با پژوهش‌های دیگران همسو است. احمداف (۱۴۰۰) پیامدهای عزت نفس از منظر اسلام را در پژوهش خود بررسی کرد که به عوامل خوداعتمادی، استقلال، تقویت اراده، دوری از گناه، قناعت، شجاعت، عفو و بردباری دست یافت.

بنابراین عزت نفس یک مؤلفه پیچیده است که تحت تأثیر ابعاد مختلفی است؛ ابعادی که هم شرایط و تجربیات اولیه زندگی کودک را شامل می‌شوند (زمینه‌ساز) و هم به دنبال آن تحت تأثیر رفتارها و تعاملات والدین با کودک هستند (آشکارساز). در نتیجه برطرف کردن موانع و به کار بردن ابعاد و مؤلفه‌ها در زندگی کودک با پیامدهای «حفظ کرامت فرزند»، «پرورش شخصیت مستحکم و مستقل»، «تلاش برای خودتوانمندسازی» و «آراستگی به کمالات اخلاقی» روبه‌رو می‌شود و سبب بالا رفتن عزت نفس در فرزند می‌شود.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

از عمده‌ترین محدودیت‌ها و مشکلات پژوهش حاضر، گسترده‌ی روایات درجات دوم و سوم آن بود. به خاطر این گسترده‌ی در آموزه‌های اسلام ممکن است پژوهشگر نتوانسته به همه آموزه‌ها به‌طور کامل معطوف شده باشد. یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش، کم بودن مستندات روایی درجه اول بود. پژوهشگر بالاچار از مستندات روایی درجات دیگر نیز استفاده نمود. پیشنهاد می‌شود والدین مدل فرزندپروری عزت نفس محور را در تربیت فرزندشان

به کار گیرند. برای رسیدن به هدف پرورش افراد عزتمند، باید از دوران‌های اولیه زندگی این مدل را اجرا نمود. مسئولان و مربیان مدارس متناسب با ارزش و کرامت انسانی با دانش‌آموزان رفتار کنند و طبق مدل فرزندپروری عزت‌نفس محور عمل کنند، که این مهم نیازمند همت بالا است که بتوانند بدون آسیب زدن به جسم و روان دانش‌آموزان در بالا بردن عزت‌نفس آنها بکوشند. در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، هدف غایی رساندن انسان به کمال و قرب الهی است. برای رسیدن به این هدف، یک سری اهداف کلی مانند اهداف اعتقادی، اخلاقی، علمی و آموزشی بیان شده است. یکی از اهداف جزئی ذکرشده تربیت اخلاقی، تقویت حس کرامت اخلاقی و برانگیختن عزت‌نفس می‌باشد. پیشنهاد می‌شود یک تجدیدنظر اساسی در تدوین این اهداف انجام شود و پرورش عزت‌نفس را فراتر از یک هدف جزئی، قرار داد. همه دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت اسلامی باید بر اساس اصل «برابری» همه انسان‌ها رفتار کنند؛ به‌خصوص معلمان، در برقراری ارتباط با دانش‌آموزان خود باید توجه داشته باشند تک‌تک آنها می‌توانند مخاطب آیه «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» باشند و در برابر حفظ کرامت و عزت‌نفس آنها مسئول‌اند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه (۱۳۸۵). ترجمه محمد دشتی. تهران: اسلامی.

آمدی، عبدالواحد (۱۴۲۹ق). غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق: السید مهدی الرجائی. قم: مؤسسه دار الکتب الاسلامی.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). المناقب. قم: علامه.

احمداف، عاقل (۱۴۰۰). تبیین الگوی عزت نفس از منظر اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی. مدرسه عالی علوم انسانی، حکمت و تاریخ.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳). نهج الفصاحه: مجموعه سخنان و خطبه‌های حضرت رسول اکرم (ص). تصحیح و تنظیم: عبدالرسول پیمانی و محمدامین شریعتی. اصفهان: خاتم الانبیاء.

تبریزی شهروی، زهرا (۱۴۰۲). تأثیر ضعف و قوت عزت نفس بر خود کارآمدی. کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی. <https://sid.ir/paper/1082548/fa>. SID

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول (ص). مصحح: علی اکبر غفاری. قم: انصاریان.

خطیب، سیدمهدی، آذربایجانی، مسعود، پسندیده، عباس، جان‌بزرگی، مسعود و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۴۰۱). تدوین الگوی مفهومی مقابله دینی با استرس بر اساس آموزه‌های قرآن کریم: نظریه داده‌بنیاد. روان‌شناسی فرهنگی، ۶(۱)، ۷۵-۴۶.

دلاوری، اعظم و رضایور، معصومه و رجی پور، ساجده (۱۴۰۲). کمبود عزت نفس کودکان و دانش‌آموزان و راهکارهای افزایش عزت نفس. دهمین همایش ملی تازه‌های روان‌شناسی مثبت. بندرعباس. <https://civilica.com/doc/2011422>.

سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۵). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. تهران: اسلامی.

سید بن طاووس (۱۴۱۴ق). لهوف. اسوه

طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق). المعجم الکبیر. القاهرة: مکتبه ابن تیمیه.

عباسی، مهدی & پسندیده، عباس. (۱۳۹۶). مفهوم‌شناسی در مفاهیم دینی با رویکرد روان‌شناختی: مراحل و شیوه اجرا. پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۳(۶)، ۴۲-۷.

کوخایی، آزاد و رودمقدس، رمضانعلی (۱۳۹۵). بررسی سبک‌های فرزندپروری در منابع اسلامی. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۳(۳۶)، ۱۵۰-۱۲۹.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

لوئیس، جان فیلیپ و لوئیس، کارن مک دونالد (۱۳۹۶). فرزندپروری با کفایت (با رویکرد طرح‌واره درمانی). ترجمه سیدمهدی موسوی موحد. تهران: ارجمند.

متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹ق). کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مشایخ، مهسا، محسنی چلک، محمدحسین و صلاحی کجور، عظیم (۱۴۰۰). چرایی عزت نفس در کودکان و نوجوانان و راه‌های تقویت آن، پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی. علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۴(۳۴)، ۵۸-۶۹.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار. تهران: صدرا.

موسوی، ستاره (۱۳۹۴). عزت نفس و آثار تربیتی آن از دیدگاه قرآن و احادیث. پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی، ۲۱(۱۰۵)، ۱۴۹-۱۷۶.

میرزاترابی، سیدمحسن (۱۴۰۰). تهیه بسته آموزشی مؤلفه‌های عزت نفس مبتنی بر آیات و روایات ویژه نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مثبت‌گرا. دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۸ق). تاریخ یعقوبی. نجف: بی نا.

- Ackerman, B. P., et al (2012). Maternal sensitivity and attachment security in infancy: A behavioral genetic study. *Developmental Psychology*, 48(3), 695-704.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
- Bernstein, J. (2013). Verbal affection and its effects on child self-worth, *Child Development Research*.
- Bowlby, J. (1988). *A Secure Base: Parent-Child Attachment and Healthy Human Development*.
- Coopersmith, Stanly (1967). *The Antecedents of Self-esteem (A series of books in behavioral science)*, W.H Freeman Company.
- Eris, R. & et al (2012). *The correlation between verbal affection and self-esteem in children*, *International Journal of Early Childhood Education*.
- Field, T. (2010). Touch for socioemotional and physical well-being: A review. *Developmental Review*, 30(4), 367-383.
- Gershoff, E. T. (2009). Corporal punishment by parents and associated child behaviors and experiences: A meta-analytic and theoretical review. *Psychological Bulletin*, 128(4), 539-579.
- Glaser, D. (2002). Emotional abuse and neglect (psychological maltreatment): A conceptual framework. *Child Abuse & Neglect*, 26(6-7), 697-714.
- Harlow, H. F. (2011). The nature of love. *American Psychologist*, 13(12), 673-685.
- Harter, S. (1999). *The Construction of the Self: A Developmental Perspective*.
- Kim, J. & Cicchetti, D. (2004). Longitudinal pathways linking child maltreatment, emotion regulation, peer relations, and psychopathology. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 45(1), 65-76.
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (1983). *Socialization in the context of the family: Parent-child interaction*, In P. H. Mussen (Ed.). *Handbook of Child Psychology*, 4, 1-101. New York: Wiley.
- Reynolds, C. & et al (2014). *The impact of parental verbal affection on children's self-esteem*. *Journal of Child Psychology*.
- Rogers, C. R. (1961). *On Becoming a Person: A Therapist's View of Psychotherapy*.
- Rutter, J. B. (1966). *Generalized Expectancies for Internal Versus External Control of Reinforcement*. *Psychological Monographs*, No.80.
- Smith E. E., Fredrickson B., Loftus G., Nolen-Hoeksema S. (2003). *Atkinson and Hilgard's introduction to psychology*, 14th Ed. New York: Wadsworth.
- Straus, M. A. & Paschall, M. J. (2009). Corporal punishment by mothers and child's cognitive development: A longitudinal study of two nationally representative age cohorts. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 18(5), 459-483.